

علمی بودن مارکسیسم

۴ علمی بودن مارکسیسم



مهندس مهدی بازرگان
(چاپ چهارم)

- مهدی بازرگان
- انتشارات بعثت
- ۳۸۸ صفحه
- ۸۲ هزار تومان

مارکسیست‌های ارتدوکس مدعی بودند که مارکسیسم علم است، یعنی سیر جبری جامعه را کشف می‌کند، همان‌طور که درخت یک سیر طبیعی و جبری لایتغیر دارد، جامعه هم یک سیر جبری لایتغیر دارد. مهندس بازرگان در این کتاب ادعای مارکسیست‌ها مبنی بر علمی بودن نظرات‌شان را مورد بررسی قرار داده و در نهایت آن را رد کرده است.

انقلاب ایران در دو حرکت

۵ انقلاب ایران در دو حرکت



مهندس مهدی بازرگان

- مهدی بازرگان
- نهضت آزادی
- ۲۶۸ صفحه
- ۷۰ هزار تومان

این کتاب با نگاهی تحلیلی گرایانه به مسائل پشت‌پرده سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. به طور کلی بازرگان در این کتاب به این مسأله می‌پردازد که قبل از سرنگونی رژیم پهلوی همه افراد و گروه‌ها در یک مسیر حرکت می‌کردند و هدف‌شان این بود که دیگر شاه نباید باشد ولی بعد از پیروزی انقلاب اختلافات شروع شد.

زندگی‌نامه سیاسی مهندس بازرگان

۶ زندگی‌نامه سیاسی مهندس بازرگان



مهندس مهدی بازرگان

- سعید برزین
- نشر مرکز
- ۳۶۸ صفحه
- ۴۵ هزار تومان

در این کتاب تلاش‌ها و فعالیت‌های عملی بازرگان به موازات تحولات فکری و نظری او، در متن رویدادهای سیاسی و اجتماعی روزگار، بررسی می‌شود و با کندوکاو در یکایک آثار متعددی که از او به جا مانده، دیدگاه‌هایش در زمینه‌هایی چون دین و تجدد، دموکراسی و استبداد، قانون طبیعی و اجتماعی، ملیت و استعمار، اقتصاد و نقش دولت و مردم و غیره تشریح می‌شود.

بعثت و تکامل، بی‌نهایت کوچک‌ها، چرا با استبداد مخالفیم، خاطرات زندان، راه طی شده، سازگاری ایرانی، سر عقب‌ماندگی ملل مسلمان، قیمتی‌تر از نفت، مرز میان دین و سیاست. این آثار در سال‌های اخیر در قالب مجموعه آثار مهندس بازرگان منتشر شده‌اند که تاکنون ۲۸ جلد از آن منتشر شده است. بازرگان انسانی مذهبی بود. صرف‌نظر از محیط مذهبی خانوادگی، نگاهی به آثار او نیز چنین چیزی را تأیید می‌کند. او در طول عمرش بیش از ۸۰ عنوان مقاله، جزوه و کتاب نوشت. از مجموع این آثار ۲/۵ درصد کاملاً علمی (نظیر ترمودینامیک)، ۵ درصد کاملاً سیاسی (نظیر استقلال هند)، ۱۵ درصد کاملاً مذهبی (نظیر روش خواندن قرآن) و ۷۷/۵ درصد اجتماعی هستند و از دیدگاهی سیاسی، تجزیه و تحلیل و با زبانی مذهبی ارائه شده‌اند.

غلامرضا خواجه سروی، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی در مدخل بازرگان جلد چهاردهم کتاب «اندیشه سیاسی متفکران مسلمان» در بخش نتیجه‌گیری خود از آراء و اندیشه‌های مهندس بازرگان می‌نویسد: «در نگاه بازرگان سیاست، مبنایی دنیایی و دین، پایه‌ای الهی دارد. بر همین اساس هدف هر یک از آن دو متفاوت می‌شود: یکی آخرت و دیگری اداره اجتماع یعنی اساسی وی در هر دو مقطع زمانی ارتباط بین دین و سیاست و معادله یک‌طرفه بین آن‌ها به نفع دین است. در هر دو مقطع زمانی در بعد مفهومی، دین را هادی و رهبر سیاست دانسته و حق هرگونه دخالتی را در سیاست به دین می‌دهد ولی دخالت سیاست-ولو از روی حسن نیت- در دین را منع می‌کند؛ اما از نظر نهادی، چنین کیفیتی را بین نهاد دین و نهاد سیاست نمی‌پذیرد. نهاد دین را نخست مختص روحانیت نمی‌داند و دوم، آن را هم‌کار نهاد سیاست قلمداد می‌کند؛ به عبارت دیگر حکومت اسلامی را در چارچوب احکام الهی و مبتنی بر مردم- یا حکومت دموکراتیک اسلامی- می‌داند و لزوماً آن را حکومت روحانیون نمی‌داند. حال با توجه به این‌که در دو مقطع زمانی مورد بحث یک نظریه ابراز شده، می‌توان گفت که تغییری در نظریه سیاست و دین بازرگان حاصل نشده است؛ به عبارت دیگر از اول به نظریه دین برای دنیا معتقد نبوده که در اواخر عمر از آن ناامید شده باشد و دنبال نظریه دین برای آخرت و خدا رفته باشد. پس احتمالاً کسانی که چنین چیزی را از بازرگان تفسیر کرده‌اند، حرف خود را از زبان ایشان زده‌اند، وگرنه آن‌طور که مشاهده شد، ایشان چنین چیزی را علی‌الأصول معتقد نبوده است. در مورد تمدن غرب و مدرنیته... به نظر بازرگان غرب از حیث مادی و فکری پیشرفته است اما نقص مهمی موجب شده که تلاش‌های فکری و مادی برای رساندن بشر به سعادت، نتیجه عکس دهد و نقص غرض شود. بازرگان توجه غرب به خدا و در پی آن طرد سکولاریسم را دوا می‌بیند و عصاره سخنانش در مورد غرب در همین نکته خلاصه می‌شود. از طرف دیگر معتقد است راه حل مسائل و مشکلات ایران، تقویت و تعدیل بینش دینی، و پیروی از غرب به عنوان الگوی پیشرفت است. این‌که تا چه اندازه چنین ره‌نمودهایی می‌تواند تحقق یابد، سوالی است که پاسخ آن را باید در امکان عملی شدن سیاست دینی در غرب و اخلاق اجتماعی غرب در ایران جست‌وجو کرد اما آن‌چه به اجمال می‌توان گفت، این‌که افراد بشر می‌توانند در جهان امروز و در سایه امکانات پیشرفته موجود، به عملی کردن مفهوم تبادل پیشنهادی بازرگان کمک کنند.»

در نگاه بازرگان

سیاست، مبنایی دنیایی و دین، پایه‌ای الهی دارد. بر همین اساس هدف هر یک از آن دو متفاوت می‌شود: یکی آخرت و دیگری اداره اجتماع یعنی اساسی وی در هر دو مقطع زمانی ارتباط بین دین و سیاست و معادله یک‌طرفه بین آن‌ها به نفع دین است. در هر دو مقطع زمانی در بعد مفهومی، دین را هادی و رهبر سیاست دانسته و حق هرگونه دخالتی را در سیاست به دین می‌دهد ولی دخالت سیاست-ولو از روی حسن نیت- در دین را منع می‌کند؛ اما از نظر نهادی، چنین کیفیتی را بین نهاد دین و نهاد سیاست نمی‌پذیرد. نهاد دین را نخست مختص روحانیت نمی‌داند و دوم، آن را هم‌کار نهاد سیاست قلمداد می‌کند؛ به عبارت دیگر حکومت اسلامی را در چارچوب احکام الهی و مبتنی بر مردم- یا حکومت دموکراتیک اسلامی- می‌داند

راست مدرن بود و جمعیت مومنه، راست سنتی. پس از پیروزی انقلاب در حالی که چپ‌گرایان خود را برای به دست گرفتن زمام امور آماده می‌کردند، با پیشنهاد مرحوم مطهری- که با هر دو گروه راست تعامل و رابطه حسنه‌ای داشت- و موافقت اعضای شورای انقلاب و امام خمینی، مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت تعیین شد. اما نهضتی‌ها در کابینه خود جایی برای دوستان سنتی خود در نظر نگرفتند و به جای آن‌ها ترجیح دادند از اعضای جبهه ملی و خدایپرستان سوسیالیست استفاده کنند. شاید حضور مومنه‌ای‌ها در دولت موقت کارایی و توان مقاومت آن را بالا می‌برد، ولی این اتفاق نیفتاد چرا که نهضتی‌ها می‌پنداشتند از نظر آزادی خواهی و دموکراسی خواهی، چپ‌گرایان مسلمان مومنه‌ان وفادارتری از مومنه‌ای‌ها هستند. با این حال گروه‌هایی مثل خدایپرستان سوسیالیست (جنبش مسلمانان مبارز) نه تنها حامی و مدافع دولت موقت نبودند، بلکه گاه با مخالفانش هم تشریک مساعی می‌کردند. راست‌گرایان سنتی هم در مواجهه با دولت موقت با منتقدان انقلابی هم‌نوا شدند و بعد هم در مجلس اول برخورد شایسته‌ای با نمایندگان نهضتی حاضر در مجلس نداشتند. شاید اگر مرحوم مطهری به شهادت نمی‌رسید، می‌توانست راست مدرن و سنتی را به هم نزدیک کند و مانع از افتراق و تشدید اختلاف آن‌ها شود. سرانجام دولت بازرگان تسلیم سیل انتظارات و انتقادات انقلابیون چپ‌گرا شد و به این ترتیب اولین ناکامی راست ایران رقم خورد. بعد هم پیش‌بینی بازرگان محقق شد و اگر چه حزب توده برای همیشه از صحنه سیاسی برکنار شد ولی روحیه، رویه و رسوبات مارکسیستی سر جای خود باقی ماند.

با تشکیل حزب جمهوری اسلامی اگر چه مومنه‌ای‌ها به این حزب پیوستند، اما چپ‌گرایان مذهبی در آن اکثریت داشتند و به این ترتیب بعد از حوادث خرداد ۶۰ دولت به دست چپ‌گرایان مسلمانی افتاد که بعدها به خط امامی مشهور شدند و راست‌گرایان سنتی در کابینه‌های رایجی، باهنر و موسوی اقلیتی غیرمؤثر بودند. مومنه‌ای‌ها اگر چه نتوانستند نبض دولت را در دست داشته باشند اما نبض بازار را در دست داشتند. بر همین اساس بود که اختلاف‌شان با خط امامی‌ها سر قانون کار بالا گرفت و از دولت چپ‌گرای موسوی خارج شدند. دولت هاشمی برای راست‌گرایان سنتی هم‌چون هوایی تازه بود، اما نهضتی‌ها سال‌ها بود از دایره قدرت کنار گذاشته شده بودند و غیر خودی محسوب می‌شدند. به مرور بین مردان اصلی کابینه هاشمی با مومنه‌ای‌های سنتی فاصله افتاد و آن‌ها که توسعه‌گرا بودند، فروشگاه‌های زنجیره‌ای را بر بازار سنتی ترجیح دادند و با تشکیل کارگزاران سازندگی درصد احیای راست مدرن در درون حاکمیت برآمدند. انتخابات ۷۶ که نزدیک شد، مومنه‌ای‌ها برای ریاست جمهوری سراغ ناطق نوری رفتند اما کارگزارانی‌ها با خط امامی‌ها مومنه‌ای شدند و خاتمی را وارد میدان کردند. کارگزاران در سال ۷۶ در برخورد با راست‌های سنتی همان راه دولت موقت را رفت و بار دیگر ترجیح چپ بر راست تکرار شد.

دین در صحنه جامعه

از مهندس بازرگان آثار مکتوب بسیاری باقی مانده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آتیه شرکت ملی نفت ایران، احتیاج روز، اختیار، ارمغان فرهنگ، از خدایپرستی تا خودپرستی، اسلام مکتب مبارزه و مولد، انتظارات مردم از مراجع، بعثت و ایدئولوژی،